

نشستی را جهت بررسی راهکارهای عملی تشکیل داد. در پی این نشست یک کمیته نظامی به منظور بسیج نیروهای داوطلب از کشورهای عربی و آموزش نظامی و مسلح نمودن آنان در قالب تشکیلات شبه نظامی به نام ارتش نجات تشکیل شد و فرماندهی این تشکیلات به عهده سر تیب اسماعیل صفوت از عراق واگذار شد. سرهنگ محمود الهندی از سوریه به معاونت اداری منصوب گشت. سرهنگ شوکت شقیر از سوریه و وصفی التل از اردن سرپرستی اداره عملیات را بر عهده گرفتند. سرهنگ طه الهاشمی از عراق مسئولیت بازرسی و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای ارتش نجات را عهده دار شد.

از ابتدای سال ۱۹۴۸ استخدام نیروهای داوطلب آغاز گردید، و افسار گوناگونی از افسران، سربازان سابق، دانشجویان، کارمندان ادارات، کارگران و کشاورزان به این تشکیلات پیوستند. در حقیقت شور و شوق ملی، و حس میهن دوستی و دشمنی با استعمار انگلیس مهمترین انگیزه پیوستن این افسار اجتماعی به ارتش نجات بود. آنگاه گردان‌هایی از نیروهای شهرها و مناطق مختلف کشورهای عربی همچون گردان شهر حلب، گردان لبنان، گردان عراق، گردان جبل العرب در سوریه، گروهان شهر حماه، گروهان اقلیت چرکسی، گروهان شهر سوری ادلب، گروهان اردن و گروهان اعراب بادیه نشین تشکیل شدند. در این میان افرادی از کشورهای اسلامی نیز داوطلبانه به ارتش نجات پیوستند.

دیری نپایید که کار آموزش نظامی این داوطلبان ناهمگون به شیوه سطحی و ساده در پادگان‌هایی در نزدیکی شهر دمشق آغاز شد، تا در آینده در هر جنگ احتمالی در فلسطین شرکت نمایند. سلاح‌های این ارتش نیز آمیخته از سلاح‌های سبک و فرسوده و غیر قابل استفاده بود، با مهمات وجود نداشت. به علت ناهمگونی نیروهای داوطلب، دیری نپایید که هرج و مرج و بی نظمی واحدهای ارتش نجات را فرا گرفت. به طور مثال اگر سربازی خدمت در یک گردان یا گروهان را نمی‌پسندید، خودسرانه به گردان و گروهان دیگری جابجا می‌شد. تعداد پرسنل ارتش نجات در بهترین شرایط از مرز سه هزار تن فراتر نمی‌رفت.

یکی از بارزترین مشکلاتی که نیروهای شبه نظامی و نامنظم عرب در فلسطین با آن مواجه بودند، نبود اسلحه و مهمات به اندازه کافی بود. اشغالگران انگلیسی با تصویب قوانین سختی، مردم فلسطین را از تهیه و حمل و استفاده از هرگونه سلاح دفاعی محروم کرده بودند.

فرسوده و متنوع بود، و از نداشتن ذخیره و مهمات کافی نیز رنج می‌بردند. مکانیزم محرک این نیروها را سربازان پیاده و نامنظم و مجاهدان مستقر در شهرها و روستاهای فلسطین تشکیل می‌داده که در صورت بسیج و فراخوانی این نیروها، تعدادشان به هشت هزار تن می‌رسیده است.

نیروهای نگهبان شهری

رزمندگان شهری و روستایی فلسطینی به منظور رویارویی با یورش گروه‌های تروریست صهیونیستی، در قالب گروه‌های رزمی نامنظم سازماندهی شدند، و یک فرمانده محلی بر سر هر یک از این گروه‌ها منصوب شد که نقش هماهنگ کننده با سایر نیروهای مستقر در روستاهای اطراف را ایفا می‌کرد و از پشتیبانی شهروندان و روستائیان نیز برخوردار بود. در شهرها نیز سازمان‌های دفاع محلی شکل گرفتند که وظیفه اصلی شان دفاع و نگهبانی از شهرها و مناطق پر جمعیت فلسطینی بود. در شهرهای بزرگ نیز سپاهیان ملی زیر نظر کمیته‌های مردمی شکل گرفت که این نیروها نیز از نظر آموزش نظامی و سازماندهی ضعیف بودند. به رغم شرایط نامطلوب نگهبانان شهری و نداشتن اسلحه و مهمات کافی، ولی بار سنگین رویارویی با سازمان‌های تروریست صهیونیستی را بر عهده داشتند. تعداد این نیروها در بهترین شرایط از چند هزار تن فراتر نمی‌رفت.

ارتش نجات

پس از صدور قطعنامه تقسیم فلسطین، شورای سیاسی اتحادیه عرب به منظور رسیدگی به این تحول و دفاع از فلسطین

انگلیس پایان قیومیت بر فلسطین را اعلام نکرد، مگر اینکه به پیروزی پروژه‌اش در این سرزمین مبنی بر آماده سازی یهودیان برای برپایی کیانی غاصب و حمایت از آن اطمینان حاصل کرده بود. به موجب قطعنامه تقسیم فلسطین که در نوامبر سال ۱۹۴۷ از سوی سازمان ملل متحد صادر شده بود، دولت انگلیس هشت ماه فرصت داشت تا از فلسطین عقب نشینی کند. ولی انگلیس نیمه ماه می سال ۱۹۴۸ را موعده عقب نشینی تعیین کرد. دولت انگلیس که در آن مرحله تسلیحات و تجهیزات و تخصص نظامی ارتش‌های کشورهای عربی را تأمین می‌کرد، از میزان توانمندی این ارتش‌ها و نیز از میزان توانایی سازمان‌های نظامی صهیونیستی در فلسطین کاملاً آگاه بود.

انگلیس خوب می‌دانست که قدرت سازمان‌های نظامی و تروریستی صهیونیست‌ها و تجهیزات نظامی‌شان چند برابر نیروی انقلابی فلسطین است. زیرا ارتش انگلیس از دستیابی فلسطینی‌ها به هرگونه اسلحه جلوگیری به عمل می‌آورد، و ضمن مصادره اسلحه و جلوگیری از قاچاق اسلحه، صاحبان آن را نیز دستگیر می‌کرد. در چنین شرایطی نظامیان انگلیسی، یهودیان مهاجر و شهرک نشینان صهیونیست را آموزش نظامی می‌دادند و آنان را به سلاح‌های پیشرفته مجهز می‌کردند. انگلیس اینگونه امور خاورمیانه را اداره می‌کرد. ولی زمانی که قطعنامه تقسیم فلسطین صادر شد، ملت‌های عرب از نظر روحی و عاطفی آن را رد کردند، در حالی که از نظر سازماندهی نظامی و اقتصادی آمادگی جلوگیری از اجرای آن را نداشتند، و برای نجات فلسطین به اقدامات شتاب زده روی آوردند که عبارتند:

تشکیل نیروهای جهاد مقدس

پس از صدور قطعنامه تقسیم فلسطین، نیروهای جهاد مقدس زیر نظر هیئت عربی سازماندهی شد، و فرماندهی این نیروها در تاریخ ۱۲/۲۲/۱۹۴۷ به عهده یک شخصیت مجاهدی به نام عبد القادر حسینی واگذار شد. این نیروها از آموزش نظامی شایسته و انضباط و سازماندهی کافی، و توان رزمی کارآمد و فعال برخوردار نبودند. زیرا فرماندهان این نیروها از توانایی لازم برخوردار نبودند. سلاح‌های آنان نیز سبک و

شاخه زیتون

تراژدی ملت فلسطین...



مروری بر ریشه‌ها و عوامل تراژدی ملت فلسطین

بسیاری از تاریخ نگاران و نویسندگان عرب و فلسطینی همواره تأکید کرده‌اند که همدستی، یا دستکم بی تفاوتی و سهل انگاری دولت‌های دست نشانده عرب باعث بروز تراژدی فلسطین و برپایی کیانی ساختگی در این سرزمین بوده است. در شرایط کنونی نیز چنانچه عملکرد نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان عرب در قبال قضیه فلسطین را بررسی نمائید، بی تردید احساس خواهید کرد که این نظام‌ها حامی تداوم امنیت و بقای رژیم غاصب در قلب جهان اسلام هستند. جنبش بین المللی صهیونیسم از ابتدای قرن گذشته با شناختی که از نقاط ضعف نظام‌های دست نشانده عرب داشت، آنان را با اعراب و تطمیع وادار کرد با اجرای این طرح استعماری مخالفتی نداشته باشند. البته نباید فراموش کنیم که غرب نیز زود هنگام وجود چنین کیانی را در خاورمیانه به منظور تحقق اهداف استعماریش از جمله غارت ثروت‌های جهان اسلام شناخته بود و همه گونه امکانات را در اختیار یهودیان مهاجر قرار داد تا پایه‌های این کیان را در کوتاه مدت تقویت کنند. این مقاله عوامل بروز بحران فلسطین را روشن می‌کند.

■ ویرانی های جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷



۳- ۷ هزار شبه نظامی عضو سازمانهای تروریستی ایتسل ولیچی.

۴- ۳۰ هزار نیروی ذخیره آموزش دیده از گروههای شبه نظامی.

نیروهای عربی

همانطور که پیشتر به آن اشاره کردم، جنگهای پراکنده از زمان صدور قطعنامه تقسیم فلسطین تا موعد رسمی پایان قیمومیت انگلیس در تاریخ ۱۹۴۸/۵/۱۵ میان حدود ۱۵ هزار رزمنده از نیروهای جهاد مقدس و ارتش نجات و سایر شبه نظامیان فلسطینی و عرب با نیروهای صهیونیستی ادامه داشت. این در حالی است که تعداد نیروهای صهیونیست هشت برابر نیروهای عرب بوده و از تسلیحات برتر و آموزش نظامی بهتری برخوردار بودند.

در نیمه شب ۱۹۴۸/۵/۱۵ و در پی پایان یافتن قیمومیت انگلیس بر فلسطین پنج لشکر عرب از محورهای مختلف وارد فلسطین شدند. هنگامی که می گویم پنج لشکر گمان نکنید که پنج لشکر عظیم و بزرگ و مجهز به انواع سلاحهای پیشرفته بوده است. در واقع مجموع نیروهای این پنج لشکر که برای آزادی فلسطین وارد عمل شدند، حدود ۲۱ هزار سرباز بوده که عبارتند:

- ۱- ارتش مصر در قالب ۱۰ هزار سرباز که یک گروهان از ارتش عربستان او را همراهی می کرده است.
- ۲- ارتش عراق در قالب ۳ هزار سرباز.
- ۳- ارتش اردن در قالب ۴ هزار و ۵۰۰ سرباز.
- ۴- ارتش سوریه در قالب ۳ هزار سرباز.
- ۵- ارتش لبنان در قالب یک هزار سرباز

بدین صورت مجموع نیروهای فلسطینی و عرب که در جنگ آزاد سازی فلسطین در سال ۱۹۴۸ شریک شدند حدود ۳۶ هزار سرباز بوده که یک چهارم نیروهای صهیونیست را تشکیل می دادند.

دولت های بزرگ موجودیت اسرائیل را برسمیت می شناسند

دیوید بن گوریون ششامگاه روز پایان قیمومیت انگلیس بر فلسطین طی سخنانی در تل آویو، با استناد به قطعنامه شماره ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۴۸/۱۱/۲۹ موجودیت اسرائیل را به عنوان دولت ملی یهود اعلام کرد. در این قطعنامه بر لزوم برپایی دولت یهودی و فلسطینی پس از عقب نشینی قوای انگلیسی از فلسطین تصریح شده بود. در پی این اقدام، آمریکا سردمدار جدید استکبار جهانی، و اتحاد جماهیر شوروی سردمدار بلوک کمونیستی اولین قدرت های بزرگی بودند که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناختند. آنگاه شناسایی کیان غاصب توسط سایر دولت های اروپایی و غربی آغاز گردید.

مدل برن و ۲ هزار قبضه تفنگ و ۴۰۰ مسلسل سبک و ۵۰۰ کلت کمری و یک میلیون و پانصد هزار گلوله در زمستان سال ۱۹۴۷ به بنادر فلسطین بارگیری شد. نباید فراموش کرد که همه این سلاحها در برابر دیدگان نیروهای انگلیسی وارد فلسطین می شد.

مؤسسه آیلون، سازنده صنایع جنگی که در نزدیکی شهرک رحویوت احداث شده بود، تولید انواع گلوله را از سال ۱۹۴۶ آغاز کرد. این مؤسسه تا پایان ماه سپتامبر سال ۱۹۴۷ حدود ۲ میلیون گلوله تولید کرد. کارخانه های دیگری نیز در فاصله سال های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶ حدود یکصد خمپاره انداز عیار ۲ اینچ و ۴۴۵۰ گلوله خمپاره همین عیار، و ۸۸۰۰ قبضه

مسلسل از نوع استن، و ۵۳ هزار بمب دستی و نیز هزاران مین زمینی تولید کردند. صنایع نظامی وابسته به صهیونیستها به مرور زمان تولیدات انواع اسلحه و مهمات خود را افزایش داده تا جایی که تعداد کارکنان این کارخانه ها در بهار سال ۱۹۴۸ به ۵۰۰ کارگر ساده و فنی افزایش یافت. نمایندگان سازمان هاگانا از آغاز سال ۱۹۴۸ مقدار ۵۳۰ تن اسلحه از کشورهای اروپایی به فلسطین منتقل کردند. این محموله ها شامل ۹۶ تن ماده منفجره «تی. ان. تی»، ۲۳۳ قبضه تیربار، ۱۵۳۵ قبضه تفنگ و ۳ میلیون و پانصد هزار گلوله بوده است. صهیونیست ها همچنین ۵۰ عراده توپ ۶۵ میلیمتری، ۲۴ عراده توپ ۱۲۰ میلیمتری، ۱۱ عراده توپ ۲۰ میلیمتری و ۲۵۰ تیربار از بندر مارسیه در جنوب فرانسه به تل آویو بارگیری کردند.

آژانس یهود همچنین تعدادی هواپیماهای حمل و نقل مدل تورسمین فرسوده و بازمانده ارتش آمریکا در آلمان غربی خریداری کرد. خلبانانی این هواپیماها را به هلند برده و پس از انجام تعمیرات لازم و بارگیری انواع اسلحه و مهمات در تاریخ ۱۹۴۸/۵/۲ فرودگاه تل آویو به زمین نشستند. سازمان های صهیونیستی در فلسطین پیش از عقب

مجموع نیروهای ارتش نجات و سایر گروه های جهادی و نگهبانان شهری و روستایی در بهترین شرایط از ۱۵ هزار تن فراتر نمی رفت، که نه آموزش نظامی کافی دیده بودند و نه اسلحه سنگین و مهمات و خودروهای پیشرفته به اندازه کافی در اختیار داشتند تا بتوانند در برابر ۱۲۰ هزار تن از جنگجویان زن و مرد عضو سازمان های منظم و شبه نظامی صهیونیست مقاومت کنند. این در حالی است که نیروهای صهیونیست با هماهنگی استعمارگران انگلیسی خود را برای چنین روزی آماده کرده و به انواع سلاح های پیشرفته مجهز شده بودند. صهیونیست ها از اولین روز صدور قطعنامه تقسیم فلسطین در تاریخ ۱۹۴۸/۱۱/۲۹ تا موعد پایان رسمی قیمومیت انگلیس بر فلسطین در تاریخ ۱۹۴۸/۵/۱۵ خود را برای اعلام موجودیت کیان غاصب آماده کردند. این در حالی است که انگلیسی ها در مدت مزبور به هیچ وجه به ارتش های کشورهای عربی اجازه ورود به فلسطین را ندادند. در این مدت نیروهای تروریستی صهیونیست ها با تصرف تعدادی از شهرها و روستاهای فلسطینی قتل عامها و کشتارهای فجیعی مرتکب شدند که باعث فرار هزاران تن از ساکنان این شهرها و روستاها به خارج از مرزهای فلسطین شد.

ضعف تسلیحاتی ارتش های عرب

یکی از بارزترین مشکلاتی که نیروهای شبه نظامی و نا منظم عرب در فلسطین با آن مواجه بودند، نبود اسلحه و مهمات به اندازه کافی بود. اشغالگران انگلیسی با تصویب قوانین سختی، مردم فلسطین را از تهیه و حمل و استفاده از هرگونه سلاح دفاعی محروم کرده بودند. به موجب این قوانین هر نوع سلاح را مصادره و دارننده آن را زندانی می کردند. کمیته نظامی وابسته به اتحادیه عرب با جمع آوری کمک های مردمی، کوشید برای فلسطینی ها اسلحه و مهمات جنگی از برخی کشورهای اروپایی خریداری نماید ولی در این تلاش ناکام ماند. لذا کشورهای عربی همسایه فلسطین را موظف کرد هر کدام مقداری تفنگ در اختیار ارتش نجات قرار دهند. در گزارشی که سر تیپ اسماعیل صفت فرمانده ارتش نجات در تاریخ ۱۹۴۸/۲/۲۳ به دبیرخانه اتحادیه عرب فرستاد، آمده است که کمیته نظامی تا آن تاریخ تعداد ۹ هزار تفنگ و تعدادی مسلسل و کمتر از چهار میلیون گلوله تحویل گرفته است. از سوی دیگر دولت سوریه سعی کرد به طور مخفیانه مقداری تفنگ و مسلسل و گلوله از کشور چکسلواکی سابق خریداری نماید، ولی این تلاش آشکار گردید و معامله ای صورت نگرفت.

میزان تسلیحات صهیونیست ها

پس از توقف جنگ جهانی دوم، آژانس بین المللی یهود کوشید کارخانه های اسلحه سازی از آمریکا و اروپا خریداری نموده و به طور قاچاق به فلسطین منتقل کند. در ابتدای سال ۱۹۴۶ هیئتی از سازمان تروریستی هاگانا برای خرید تعدادی از کارخانه های اسلحه سازی عازم آمریکا شد. همچنین آژانس یهودی برای تأمین نیازهای خود در زمینه خرید کارخانه های اسلحه سازی و مهمات سازی چهار شرکت تجاری تأسیس کرد. آژانس یهود سرانجام چند دستگاه تولید گلوله خریداری کرد، و در پاییز سال ۱۹۴۷ آن ها را به طور قاچاق به یکی از بنادر فلسطین انتقال داد که به تدریج روانه شهرک های صهیونیست نشین شدند. آژانس یهود اندازه ادرای را برای اجرای پروژه های ساخت تجهیزات نظامی از قبیل مسلسل های سنگین و سبک و انواع کلت و گلوله تأسیس کرد و بودجه چند میلیون پوندی برای آن اختصاص داد. در همان حال پروژه دیگری به نام پروژه شیمیایی در شهرک صهیونیست نشین کفر یتکین به منظور تولید مواد منفجره احداث شد. نمایندگان سازمان هاگانا در اروپا به منظور ذخیره سازی و انباشتن انواع اسلحه و مهمات و قاچاق آن به فلسطین ابزارهای سری تدارک دیدند. اولین محموله این سلاحها شامل ۳ هزار موشک انداز

شاخه زیتون

دو هفته از اعلام برپایی کیان غاصب در فلسطین نگذشته بود که بن گوریون اولین نخست وزیر این کیان روز ۱۹۴۸/۵/۳۱ با صدور بخشنامه ای همه سازمان های شبه نظامی صهیونیستی را منحل کرد و از تأسیس ارتش یکپارچه زیر نظر دولت خبر داد. تعداد نظامیان آن در بدو تأسیس حدود ۱۰۰ هزار زن و مرد بود.

نشینی نیروهای انگلیسی، همه سلاحها و مهمات آنان را توسط بازرگانان اسلحه محلی خریداری نموده تا به دست فلسطینی ها رسد.

میزان نیروهای صهیونیست

در آستانه خروج سربازان انگلیسی از فلسطین در سال ۱۹۴۸ و با توجه به آمادگی صهیونیست ها برای به دست گرفتن زمام امور در این سرزمین، تعداد نیروهای نظامی و شبه نظامی صهیونیست به ۱۲۷ هزار تن به شرح ذیل افزایش یافت.

۱- ۳۰ هزار سرباز که در ارتش انگلیس یا ارتش های متفقین در جریان جنگ جهانی دوم خدمت کرده، و از نظر آموزش و عملیات نظامی از مهارت فوق العاده ای برخوردار بودند.

۲- ۶۰ هزار شبه نظامی عضو سازمان تروریستی هاگانا.

از سرگیری جنگ

اسرائیلی‌ها پس از بازسازی نیروهای نظامی خود و مجهز شدن به انواع اسلحه از حالت تدافعی بیرون آمده و موضع تهاجمی به خود گرفتند. آنان روز هشتم ژوئیه سال ۱۹۴۸ پیش از موعد پایان آتش بس، قطعنامه شورای امنیت و آتش بس را نقض کرده و با یورش به تعدادی از روستاهای فلسطینی نشین در کرانه باختری رود اردن ساکنان آن را آواره کردند. نظامیان صهیونیست‌ها سپس شهرهای الرمله و اللد و فرودگاه نزدیک آن را به اشغال خود در آوردند. زیرا نیروهای اردنی به دستور فرمانده انگلیسی جنرال گلوب به تازگی از آن عقب نشینی کرده بودند. نظامیان صهیونیست در ادامه جنگ و تجاوزگری کوشیدند بخش شرقی قدس را نیز اشغال کنند، ولی نیروهای ارتش اردن شجاعانه از آن دفاع کرده و هجوم نظامیان صهیونیست را ناکام ساختند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد دوباره در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۴۸ قطعنامه جدیدی را برای برقراری آتش بس صادر کرد، ولی این بار اسرائیلی‌ها زیر بار نرفته و از اجرای آن شانه خالی کردند. اعضای دائمی شورای امنیت نیز که در جریان قطعنامه نخست به اعراب فشار وارد کرده تا آتش بس را بپذیرند، ولی این بار دست اسرائیلی‌ها را باز گذاشتند تا طبق منافع شان تصمیم بگیرند. پذیرش آتش بس از سوی دولت‌های عرب در روز ۱۱ ژوئن سال ۱۹۴۸ به رغم حضور ارتش‌های عرب در فلسطین باعث تضعیف روحیه رزمندگان شبه نظامی عرب و سرگردانی ارتش نجات و عقب نشینی نیروهای آن از پایگاه‌های خود در شهرها و روستاهای شمال فلسطین گردید. در نتیجه این عقب نشینی بسیاری از روستاها و شهرهای فلسطینی نشین به دست صهیونیست‌ها سقوط کردند.

در چنین شرایطی سازمان صهیونیستی افراطی لیچی احساس کرد که کنت برنادوت فرستاده شورای امنیت سازمان ملل متحد، به فلسطینی‌ها گرایش پیدا کرده و او را روز ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۴۸ در قدس ترور کرد. با این وصف در نتیجه فشارهای بی در پی قدرت‌های بزرگ به پادشاهان خائن مصر، عراق، اردن برای پذیرش آتش بس و قبول وضع موجود، ملک عبد الله پادشاه پیشین اردن که فرماندهی نیروهای مشترک اعراب را برعهده داشت به این نیروها دستور داد از فلسطین عقب نشینی کنند. در این میان اسرائیلی‌ها نیز فرصت را مغتنم شمرده و با آغاز ماه اکتبر سال ۱۹۴۸ زمام امور را به دست گرفته و با انجام عملیات نظامی گام به گام به سوی مناطق شمالی و جنوبی و شرقی فلسطین پیشروی کرده و سرانجام حدود ۷۸ درصد از سرزمین‌های فلسطین را اشغال کردند. ■



آمریکا و شوروی اولین قدرت‌های بزرگی بودند که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناختند. شوروی که خود را مخالف امپریالیسم معرفی می‌کرد به دولت‌های چکسلواکی و یوگسلاوی سابق که در بلوک شرق عضویت داشتند، دستور داد هرگونه کمک لازم را برای فروش توپخانه و هواپیمای جنگی و به اسرائیل نخواستند ارائه دهند.

تانک و تعدادی بمب افکن بازمانده از جنگ جهانی دوم به اسرائیل هدیه کرد. خلبانان اسرائیلی این هواپیماها قبل از زمین نشستن در پایگاه‌های هوایی شان در تل آویو، بر فراز شهر قاهره به پرواز درآمده و دیوار صوتی را شکستند.

دخالت سازمان ملل متحد به سود اسرائیل

پس از پیشروی ارتش‌های عربی به عمق سرزمین فلسطین به رغم نفرت و تجهیزات اندک، رنگ خطر به گوش قدرت‌های بزرگ استعمارگر به صدا درآمد. این قدرت‌ها احساس کردند پروژه‌ای که برای تحقق آن در فلسطین سال‌های طولانی زحمت کشیده‌اند در آستانه بر باد رفتن قرار گرفته است. قدرت‌های بزرگ ورود ارتش‌های عرب به فلسطین را دخالت خارجی عنوان کردند که تاگزیر باید متوقف گردد. در این میان صهیونیسم جهانی نقش بزرگی در برانگیختن احساسات غربی‌ها بر ضد دولت‌های عرب بازی کرد و مدعی شد که اعراب سعی در نابودی موجودیت یهود در فلسطین دارند. با این وصف دولت‌های غربی در پی شکست نظامیان صهیونیست در برابر ارتش‌های عرب به حمایت از اسرائیل شتافتند. در این حال شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه شماره ۵۰ اعراب و اسرائیل را به برقراری آتش بس فراخواند. شورای امنیت با صدور این قطعنامه جانبداری خود را از رژیم صهیونیستی از آن روز آشکار کرد که این روند تا امروزه همچنان ادامه دارد. دولت‌های عربی پذیرش آتش بس را به شدت رد کردند ولی دولت انگلیس با سوء استفاده از روابط سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی ویژه خود با برخی دولت‌های عربی همچون عراق و اردن و مصر که بیشترین نیروی نظامی را در فلسطین داشتند به این دولت‌ها فشار وارد آورد تا نیروهای خود را از فلسطین خارج نمایند.

دولت انگلیس دولت‌های مزبور عربی را تهدید کرد چنانچه جنگ در فلسطین را ادامه دهند فروش اسلحه و تجهیزات نظامی به آنان را متوقف می‌کند. ملک عبد الله پادشاه اردن که فرماندهی مشترک ارتش‌های عرب را در فلسطین بر عهده داشت به رغم دستاوردهای چشمگیر نظامی، در برابر فشارهای انگلیس سر تسلیم فرود آورد و مجبور به پذیرش آتش بس شد، و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد عملاً روز یازدهم ژوئن سال ۱۹۴۸ به اجرا درآمد. کسانی که روی دادهای آن مرحله را شاهد بودند نقل کرده‌اند که پذیرش آتش بس از سوی اعراب، ارتش اسرائیل را از فروپاشی نجات داد.

شورای امنیت به منظور نظارت بر آتش بس فرستاده‌ای را به نام کنت برنادوت به منطقه اعزام کرد، تا ضمن بررسی اوضاع در فلسطین گزارشی را به شورای امنیت ارائه دهد. اسرائیلی‌ها فرصت آتش بس را مغتنم شمرده و به بازسازی نیروهای نظامی و تدارک اسلحه و تجهیزات نظامی از کشورهای غربی و آمریکا به ویژه چکسلواکی اقدام کرده و دیری نپایید که فرستاده شورای امنیت سازمان ملل متحد را در هتل ملک داود در قدس ترور کردند.

نکته قابل توجه این است که شوروی که خود را مخالف طرح‌های امپریالیستی در جهان معرفی می‌کرد به دولت‌های چکسلواکی و یوگسلاوی سابق که در اردوگاه سوسیالیستی عضویت داشتند، دستور داد هرگونه کمک لازم را به فرستادگان اسرائیل برای خرید توپخانه و هواپیماهای نظامی و انواع اسلحه و تجهیزات نظامی و ارسال آن‌ها به اسرائیل نخواستند ارائه دهند. این دستور بیدرتنگ به مورد اجرا گذاشته شد، و قرار دادهای تسلیحاتی هفتگی بین چکسلواکی و اسرائیل به امضا رسید که نقش تعیین کننده‌ای در پیروزی اسرائیل بر اعراب داشت. در این میان حزب کمونیست اسرائیل نیز در آسان سازی امضای این قراردادها نقش مؤثری ایفا کرد.

روند جنگ در مراحل نخست

ارتش‌های عرب با شور و شوق وصف ناپذیری پس از ورود به فلسطین به پیروزی‌های چشمگیری در برابر سازمان‌های نظامی صهیونیستی دست یافتند. در جبهه جنوب نیروهای مصری از طریق صحرای سینا به سمت صحرای النقب پیشروی کرده و شهرهای صهیونیست نشین این منطقه را به تصرف خود در آوردند. آنگاه سپاهیان دیگر مصری به سمت شهرهای اشدود و بئر السبع پیشروی کردند و توانست جنوب فلسطین را جدا سازد. گروه دیگری از سپاهیان مصری به سمت شهر بیت لحم پیشروی کرده و به نیروهای اردنی پیوستند.

در جبهه شرقی، روز سوم ژوئن سال ۱۹۴۸ میان حدود یک هزار تن از سربازان عراقی، با پشتیبانی اهالی منطقه و نیروهای ارتش نجات درگیری‌های شدیدی با چهار هزار تن از نیروهای سازمان صهیونیستی هاگانا روی داد که نتیجه آن شهر جنین و روستاهای اطراف آن از اشغال صهیونیست‌ها آزاد گردید. آنگاه ارتش عراق پیشروی خود را به سمت مناطق شمالی و شهرهای طولکرم و العفوله و بندر حیفا ادامه داد و تا فاصله ۱۰ کیلومتری شهر نتانیا در شمال تل آویو پیشروی کرد.

در جبهه شمالی نیز نیروهای سوری با پیشروی در منطقه الجلیل توانستند تعدادی از شهرهای صهیونیست نشین همچون سمخ، شمار و هیردین را از لوٹ وجود صهیونیست‌ها آزاد نمایند. سپس نیروهای لبنانی و رزمندگان ارتش نجات که در منطقه الجلیل حضور داشتند به یکدیگر پیوستند. در جبهه شرقی پیشروی ارتش اردن به دستور جنرال گلوب فرمانده انگلیسی خود در اراضی فلسطینی‌ها که به موجب قطعنامه سازمان ملل متحد برای آنان در نظر گرفته شده بود متوقف گردید، و با آنان اجازه پیشروی به سمت مناطق ویژه یهودی‌ها داده نشد. ارتش اردن در این جنگ وارد شهرهای اللد و الرمله و بخش شرقی قدس شد و شهرک صهیونیست نشین عتروت را به تصرف خود درآورد.

تأسیس ارتش اسرائیل

دو هفته از اعلام برپایی کیان غاصب و در پی ورود ارتش‌های عرب به فلسطین نگذشته بود که بن گوریون اولین نخست وزیر این کیان روز ۱۹۴۸/۵/۳۱ با صدور بخشنامه‌ای همه سازمان‌های شبه نظامی صهیونیستی را منحل اعلام کرد، و از تأسیس ارتش یکپارچه زیر نظر دولت خبر داد. با توجه به اینکه سازمان صهیونیستی هاگانا در درجه اول بیشترین نیروهای شبه نظامی در اختیار داشت و در درجه دوم از دستورات بن گوریون اطاعت می‌کرد، ستون فقرات این ارتش اسرائیل را تشکیل داد. آنگاه یعقوب دوری فرمانده سازمان هاگانا به ریاست ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی منصوب شد. تعداد نظامیان ارتش رژیم صهیونیستی در بدو تأسیس حدود ۱۰۰ هزار زن و مرد در قالب ۱۲ تیپ و چند گردان توپخانه و زرهی بود که بیدرتنگ به پیشرفته ترین اسلحه و تجهیزات نظامی مجهز شد. از سوی دیگر نیروهای انگلیسی پس از عقب نشینی از فلسطین همه مهمات و جنگ افزارهای خود را به صهیونیست‌ها واگذار کردند. دولت آمریکا نیز بیدرتنگ دهها